

دروزی های اسرائیل برای کشته شدن ۱۱ کودک در حمله موشکی لبنان به بلندی های جولان عزادار هستند



آنان که دیروز در کنار قدرت سلاح برداشتند، امروز میان پرچم های متضاد و هویت های گمشده، هنوز وفادار مانده اند؟

دولت دو پرچم برادران اسلحه



زهره صمصامی

در دل ساختار اجتماعی و سیاسی اسرائیل، جامعه دروزی نقشی در ظاهر کوچک اما در باطن ژرف و تأثیرگذار ایفا می کند. این اقلیت مذهبی، در خلال قرن ها سکوت و انسجام، اکنون در اسرائیل به یکی از وفادارترین اقشار به نظام سیاسی و امنیتی بدل شده است. حضور دروزی هادرانش، دستگاه های امنیتی و حتی ساختارهای سیاسی، در مقایسه با دیگر اقلیت های عرب، چشم گیر است. این مشارکت گسترده، حاصل نوعی تفاهم نانوشته است؛ پذیرش، حمایت و فرصت های برابر در قبال تعهد کامل به قوانین و امنیت ملی. بهای این اتحاد استراتژیک، نوعی فاصله گذاری تدریجی با هویت عربی و پیوندهای تاریخی با جهان عرب است. نسل جوان دروزی، بیش از پیش در چهارچوب فرهنگی و مدنی اسرائیل تعریف می شود؛ فرایندی که برخی آن را دغام موفق و برخی دیگر از آن به عنوان گسست فرهنگی یاد می کنند. چنین حضوری، از آنان شریکی بی صدا اما راهبردی ساخته است.

دروزی های اسرائیل؛ پیوندی ناگسستنی از ایمان، هویت و وطن

در میان گروه های گوناگون ساکن اسرائیل، جامعه دروزی بخشی حیاتی از بافت اجتماعی محسوب می شود. همان طور که یهودیان آمریکا که حدود ۲ درصد جمعیت آن کشور را تشکیل می دهند، به خوبی در جامعه آمریکا ادغام شده اند، دروزی ها که حدود ۱.۶ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می دهند نیز چنین وضعیتی دارند. برخلاف باور رایج، بالاترین نرخ خدمت سربازی در ارتش اسرائیل نه متعلق به یهودیان، بلکه به دروزی ها تعلق دارد؛ آماري که نشان می دهد حدود ۸۰ درصد مردان دروزی وارد نیروهای دفاعی اسرائیل می شوند و بسیاری در واحدهای رزمی و فرماندهی مشغولند. این سطح از تعهد، تنها محصول ضرورت های سیاسی نیست، بلکه در باورهای دینی، تجربه های تاریخی و نگاه فرهنگی آنان ریشه دارد. یکی از اصول بنیادین این آیین وفاداری به سرزمینی است که در آن زندگی می شود. همین اصل موجب شده که دروزی ها، با وجود زبان و فرهنگ عربی، هویتی مستقل از دیگر اقوام عرب در منطقه داشته باشند.

نقطه عطف روابط آنان با اسرائیل به سال ۱۹۴۸ بازمی گردد؛ در دوران تأسیس اسرائیل در دهه ۱۹۴۰، دروزی ها به عنوان یک اقلیت در منطقه بودند. آنان در دوران جنگ ها و عملیات ها، به اسرائیل کمک کردند و با آن ها همکاری کردند. این همکاری ها در طول زمان باعث شده که دروزی ها جایگاه خاصی در جامعه اسرائیل پیدا کنند. این اتحاد ریشه در حادثه ای پیش تر در سال ۱۹۴۲ نیز داشت؛ زمانی که آرامگاه پیامبر شعیب، شخصیت مقدس دروزی ها، هدف حمله سنی ها قرار گرفت. از آن زمان، دروزی ها اسرائیل را دوست خود دانسته و خود را بخشی جدایی ناپذیر از آن تلقی کرده اند.

رهبران مذهبی این جامعه همواره تأکید کرده اند که رابطه آنان با اسرائیل فراتر از یک قرارداد سیاسی بلکه تعهدی دینی است. به گفته مؤلف ماری، یکی از چهره های برجسته جامعه، «هر دروزی از نظر الهی به خاکی که در آن زندگی می کند متعهد است». این نگرش، همراهِ با برخورداری از حقوق کامل شهروندی، از جمله دسترسی به کنست، رده های فرماندهی نظامی و مناصب اجرایی، سبب شده است دروزی ها نقش فعالی در ساختار قدرت ایفا کنند.

البته روابط آنان با هم کیشان خود در لبنان و سوریه همواره ساده نبوده است. دروزی های بلندی های جولان، پس از الحاق این منطقه به اسرائیل در ۱۹۸۱،

میان حفظ تابعیت سوری یا پذیرش تابعیت اسرائیلی مردد ماندند. اگرچه برخی همچنان خود را سوری می دانند، اکثریت دروزی های اسرائیلی، به ویژه در مناطق شمالی، وفاداری خود را با ادامه خدمت نظامی و مشارکت اجتماعی نشان داده اند. با وجود بسته بودن نسبی جامعه دروزی - از جمله ممنوعیت ازدواج با غیر دروزی ها و محرمانه بودن آموزه های دینی - آنان به عنوان شهروندانی قانون مدار و میهن دوست شناخته می شوند. شهرهایی چون مغار، نمونه هایی از همزیستی دروزی ها با مسلمانان و مسیحیان در فضایی مسالمت آمیز هستند.

پاسداران کیان صهیون

دروزی ها نه تنها در میدان جنگ، بلکه در فضای مجازی نیز مدافعان فعال اسرائیلند. افرادی مانند منصور اشقر، با حضور در رسانه ها و شبکه های اجتماعی، از اسرائیل در برابر اتهامات بین المللی مانند آپارتاید و نسل کشی دفاع می کنند. به طور مثال غسان علیان اولین فرمانده غیر یهودی تیپ گولانی، مشهورترین تیپ ارتش اسرائیل شد. در جریان حمله ۷ اکتبر، سرهنگ دوم سلمان حبکا، یکی از برجسته ترین نظامیان دروزی، جان خود را در دفاع از غیرنظامیان از دست داد. او بالاترین رتبه نظامی کشته شده در عملیات زمینی غزه بود. در عملیات اخیر موسوم به شمشیرهای آهنین، جامعه دروزی ده تن از جوانان خود را از دست داده است؛ جوانانی چون سرگرد جلاء ابراهیم، کاپیتان وسیم محمود، گروهبان انور سرحان و دیگران. این جان فشانی ها، رابطه دروزی ها با مردم اسرائیل را به پیمانی خونین تبدیل کرده است. همان گونه که نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو در مراسم یادبود در روستای جولیس گفت: «میان مردم دروزی و ملت اسرائیل، پیوندی خونین و حیاتی وجود دارد.»

زنان در دروازه فرهنگی، هویتی، اعتقادی

زنان دروزی در اسرائیل در تقاطعی از چالش های قومی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارند که فرصت های شغلی و تحصیلی آن را به شدت محدود کرده است. این زنان، که همواره در کنار همسران خود در کار کشاورزی و امور منزل فعال بوده اند، با کاهش نقش کشاورزی در اقتصاد محلی، بیش از پیش در معرض محرومیت اقتصادی قرار گرفته اند.

بر پایه پژوهش های صورت گرفته، زنان دروزی بانوعی تبعیض مضاعف مواجه اند؛ از یک سو، به عنوان بخشی از جامعه عرب اسرائیل، از فرصت های شغلی محدود در بازار کار رنج می برند؛ و از سوی دیگر، به دلیل ساختار سنتی و

رهبر جامعه دروزی در اسرائیل، شیخ

موفق طریف، در خانه خود در جولیس،

شمال اسرائیل، ۱۳ مارس ۲۰۲۵

با رویترز صحبت می کند



بسته جامعه خود، غالباً اجازه کار در خارج از محدوده روستا را ندارند. هرچند در سال های اخیر، شماری از زنان دروزی توانسته اند وارد حرفه های تخصصی و جایگاه های مدیریتی شوند، اما مشارکت کلی آنان در اقتصاد و حتی در معیشت خانواده همچنان اندک است. بسیاری از این زنان در مشاغل کم درآمد مانند صنایع غذایی، نساجی و خدمات اجتماعی مشغول به کار هستند؛ صنایعی که اغلب توسط کارآفرینان یهودی در روستاهای دروزی راه اندازی شده اند. علاوه بر موانع فرهنگی، عوامل دیگری همچون تسلط ناکافی به زبان عبری، فشارهای اجتماعی و مخالفت برخی رهبران مذهبی با تحصیلات دانشگاهی و اشتغال زنان، از جمله عوامل محدودکننده جدی برای ارتقای نقش زنان دروزی در جامعه به شمار می روند.

عقد هویت در برابر پیمان خون

روابط دروزی ها با دولت اسرائیل همیشه هموار نبوده است. تصویب قانون دولت-ملت در سال های اخیر که اسرائیل را صرفاً سرزمین ملت یهود معرفی می کند، موجی از انتقاد در میان جامعه دروزی به وجود آورد. در همایش «دروزی ها و امنیت اسرائیل - پیمان خون در عمل» که در کالج آکادمیک الجلیل غربی برگزار شد، چهره های برجسته مذهبی، نظامی و دانشگاهی دروزی همچون «شیخ موفق طریف، سفیر ردان منصور، پروفیسور نسیم بن دیوید» از احساس تبعیض نسبت به این قانون سخن گفتند. وکیل ایال فرج، مشاور شورای دینی دروزی ها، این قانون را «خطرناک» توصیف کرد و پرسید چگونه می توان فرزندان دروزی را به خدمت اجباری فرستاد در حالی که قانونی آنان را از حقوق برابر محروم می کند؟ کرمل نصرالدین نیز گفت: «ما مشکلی با یهودی بودن جامعه نداریم، اما دموکراسی باید حفظ شود و سیاست ها بر پایه نیاز همه شهروندان تنظیم گردد، نه قومیت شان.» عنان وهاب نیز هشدار داد که این قانون نه تنها روحیه نسل جوان دروزی را تضعیف کرده، بلکه اعتماد متقابل را نیز آسیب پذیر ساخته است. او خواستار تدوین قانون اساسی جامع تر شد که جایگاه واقعی اقلیت ها را به رسمیت بشناسد. پژوهشگرانی چون یعقوب و رمزی حلی، در عین تأکید بر مشارکت بی چون و چرای جامعه دروزی در ساختارهای دفاعی و امنیتی، خواستار تجدیدنظر در نگاه نخبگان سیاسی به اقلیت ها شدند. پروفیسور بن دیوید نیز یادآور شد که «پیمان خون» باید در میدان سیاست و قانون هم معنا یابد، نه فقط در میدان جنگ.

سخن پایانی

جامعه دروزی اسرائیل، با ترکیب هویت دینی، فرهنگی و ملی، یکی از نمونه های نادر همزیستی پایدار در خاورمیانه به شمار می رود. آنان با رزادیده دولت مستقل، بر وفاداری به سرزمین محل سکونت تأکید دارند. سرهنگ بازنشسته حماده غانم و ایال غانم، دو چهره سرشناس این جامعه، به سه گانه هویتی آن ها تأکید دارند؛ مذهبی دروزی، فرهنگی عرب و ملی اسرائیلی. این ترکیب پیچیده، نه نشانه تناقض، بلکه گواهی بر سازگاری در برابر طوفان های سیاسی منطقه است. با این حال، این رابطه را می توان یک ائتلاف مشروط تلقی کرد؛ تا زمانی که اسرائیل منافع حداقلی این جامعه را تأمین کند (امنیت، امکانات و احترام نسبی به هویت خاصشان)، این رابطه ادامه خواهد داشت. پایداری این رابطه وابسته به سیاست های آینده اسرائیل خواهد بود. اگر مسیر تضعیف جایگاه اقلیت ها ادامه پیدا کند، احتمال تنش جدی بیشتر می شود.